



بی حجاب علیه تبعیض

سهیلا شریفی



چند روز پیش فرمانده نیروی انتظامی اصفهات در نماز جمعه ضمن موفقیت آمیز خواندن اجرای طرح امنیت اجتماعی گفت در عرض شش ماه گذشته نیروی انتظامی به بیش از دویست هزار زن بد حجاب تذکر داده است. از این تعداد ده هزار نفر تذکر رسمی گرفته اند و هزار و پانصد نفر به مراجع قضائی معرفی شده اند. این تنها مورد نیست که سران رژیم لیست قهرمانیهای خود را به اطلاع عموم می رسانند، چندی پیش هم یکی از فرماندهان مازندران اعلام کرده بود که در عرض چند ماه اول اجرای طرح مبارزه با بد حجابی چهل و سه هزار زن را به جرم بدحجابی متوقف کرده و به آنها تذکر داده اند یا آنها را به کمیته های مربوطه برده اند. همین دو رقم کافی است تا با یک ضرب و جمع ساده پی به ابعاد بسیار وسیع و گسترده مقاومت زنان در مقابل حجاب و قوانین اسلامی ببریم. سران رژیم ممکن است خود را به نفهمی بزنند و این ارقام را در لیست موفقیت‌های خود بگذارند اما نمی توانند بر این واقعیت سرپوش بگذارند که طرح‌های مختلف آنها برای سرکوب زنان نه تنها نتوانسته است به جانی برسد بلکه برعکس با شکست کامل روبرو شده است و رژیم را به استیصال کشانده است. اگر همین ارقامی را که خودشان اعلام کرده اند ضربدر شهرهای مختلف ایران و مخصوصا جایی مانند تهران بکنیم، به ضوح می توان دید که صدها هزار و حتی میلیون‌ها زن و دختر قوانین اسلامی و حجاب و جدا سازیها و آپارتاید جنسی را به

ریشخند گرفته اند و روزانه در برابر آن مقاومت می کنند. اینکه بعد از اینهمه سال شلاق و زندان و تحقیر و کمیته و جریمه رژیم هنوز مجبور است هر روز تا دندان مسلح شود و به خیابانها برود و سعی کند روسریها را روی سر زنان نگه دارد، نشان می دهد که تا چه اندازه مبارزه با حجاب و آپارتاید جنسی همه گیر و عمومی شده است و چقدر جنبش آزادی زن رو به رشد و متعزز و رادیکال شده است. زنان در ایران با مقاومت و مبارزه پیگیر و همه جانبه خود به جمهوری اسلامی و قوانین آن نه گفته اند و کمر به نابودی این رژیم آپارتاید جنسی بسته اند.

فعالین سازمان علیه تبعیض و نشریه بی حجاب این افتخار را دارند که در صف اول این جنبش پرشور و رادیکال و مترقی قرار دارند و متحد کردن و سازمان دادن این جنبش را امر و وظیفه مبرم خود می دانند. مبارزه زنان در ایران بر علیه حجاب یک مبارزه صنفی و محدود به زنان و پوشش آنها نیست، این مبارزه ای عمومی و سراسری است بر علیه هر نوع تبعیض جنسی و نابرابری اجتماعی و لازم است بطور همه جانبه و سراسری از آن دفاع کرد. علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن پرچمدار این مبارزه است و جای مناسبی است برای همه کسانی که علیه تبعیض، علیه حجاب و علیه ستمگشی زن و نابرابری زن و مرد مبارزه می کنند. به این سازمان پیوندید و مبارزات زنان و مردان برابری طلب را تقویت کنید.

بیانیه اعلام موجودیت

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن

خوشحالیم که تشکیل "علیه تبعیض" سازمان دفاع از حقوق زن" را به اطلاع برسانیم. "علیه تبعیض" سازمان مبارزه برای آزادی و رهایی زن، رفع کامل تبعیض جنسی و برابری کامل زن و مرد در همه وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی است. "علیه تبعیض" به یک جنبش وسیع اجتماعی علیه ستم و تبعیض جنسی در ایران تعلق دارد که هر روز قدرتمندتر و رادیکالتر به جلو گام برمیدارد. "علیه تبعیض" متحد کردن، سازمان دادن و به

صفحه ۲

پلاقرم "علیه تبعیض" - سازمان دفاع از حقوق زن

اهداف، سازمان و چشم اندازها

متحد کردن و سازمان دادن این جنبش را امر فوری خود میدانند. هدف ما رفع کامل تبعیض جنسی و برابری کامل زن و مرد در کلیه عرصه های حقوقی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است. "علیه تبعیض" سازمان دفاع از حقوق زن" مشخصا تحقق اهداف زیر را در دستور کار خود قرار میدهد:

صفحه ۲

شعار آزادی برابری در دانشگاه

روز دوشنبه ۳۰ مهرماه دانشجویان پلی تکنیک در اعتراض به زندانی شدن تعدادی از دانشجویان و علیه سیاست شکنجه و سرکوب رژیم در دانشگاه دست به تجمع اعتراضی پرشوری زدند. دانشجویان با حمل پلاکاردهای سرخ که بر آنها شعارهایی مانند "آزادی و برابری" و "مرگ بر دیکتاتور" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بار دیگر نفرت و انزجار خود را از رژیم آپارتاید و قوانین سرکوبگرانه رژیم نشان دادند.



مینا احدی سخنگوی
علیه تبعیض به عنوان
سکولاریست سال
انتخاب شد



زنده باد آزادی، زنده باد برابری

بیانه اعلام موجودیت علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن

از صفحه ۱

۱- رفع کامل و قطعی هرگونه تبعیض علیه زنان، ریشه کن کردن تمام اشکال ستم و تحقیر و بی حقوقی بر زنان و تحقق برابری واقعی زن و مرد در جامعه!

۲- جدائی کامل مذهب از دولت و از آموزش و پرورش.

۳- مقابله با مردسالاری و کلیه سنتهای ملی - اسلامی عقب مانده و ارتجاعی ضد زن.

۴- لغو حجاب، آزادی پوشش، و لغو کامل آپارتاید جنسی.

۵- متحد و منسجم کردن جنبش آزادی زن حول خواستهای برابری طلبانه، رادیکال،

ماکسیمالیستی و سکولار.

۶- معرفی و شناساندن جنبش آزادی زن در سطح بین المللی و جلب حمایت مدافعین حقوق زن و مردم آزادیخواه و فعالین و نهادهای چپ و مترقی از این جنبش.

۷- متشکل کردن جنبش آزادی زن در سطوح مختلف، متحد کردن فعالین این جنبش حول خواستهای رادیکال و پایه ای زنان و تامین یک رهبری منسجم و یک سازمان وسیع و فراگیر برای امرهایی زن. اعضای شورای مرکزی "علیه تبعیض" عبارتند از مینا احدی، زری اصلی، شهلا خباززاده، میترا دانش، شهلا دانشفر، سهیلا شریفی، محبوبه سیاهمردی، مهین

میشود را ظالمانه و کشنده روح انسانی خود و کودکان خود میدانند، و در یک کلام میخواهند مثل انسان در یک روابط برابر و انسانی زندگی کنند، را به پیوستن به این سازمان فرامیخوانیم. به ما پیوندید، "علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" سازمانی برای شما است. به این سازمان پیوندید، آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید و به هر شکل که میتوانید از آن حمایت کنید.

نه به تبعیض، نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

زنده باد آزادی و برابری

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن

سازمان به درون جنبش آزادی زن و تبدیل آن به پلاتفرم تشکلهای علنی ای که حول خواستهای مشخص زنان شکل میگیرد و نیز به خط قطعنامه ها و شعارهای سیاسی جامعه در مناسبت های مختلف.

- تلاش برای ایجاد تشکلهای علنی حول خواستهای مشخص زنان در عرصه های مختلف!

ایجاد چنین تشکلهایی یک گام مهم برای متحد کردن و قدرتمند تر کردن جنبش اجتماعی آزادی زن و مسلط کردن خط رادیکال بر راس این جنبش است. در همین رابطه "علیه تبعیض" برای متشکل شدن فعالین جنبش رهائی زن در سطح محلات و مراکز کار و تولید و در ادارات و مدارس و دانشگاهها حول خواستهای فوری جنبش آزادی زن و مبارزه علیه تبعیض علیه زنان بصورت نهادها و انجمن های مختلف و در اشکال تشکلهای علنی و توده ای تلاش میکند.

علیپور، مرسده قائدی، اصغر کریمی، فرشته مرادی، مهناز ماسوری، منوچهر ماسوری، شهناز مرتب، شیوا محبویی و مریم نمازی. شورای مرکزی در اولین جلسه خود مهین علیپور را بعنوان دبیر و مینا احدی و مریم نمازی را بعنوان سخنگویان این سازمان انتخاب کرد.

همه زنان و مردان آزادیخواه، همه جوانان دختر و پسری که خواهان رهائی از خفت و بیحقوقی و قوانین عصر حجر و عقب مانده ضد زن هستند، همه آنها که میخواهند برابر زندگی کنند، از لذت رابطه برابر و انسانی برخوردار شوند، رابطه طبیعی دختر و پسر را حق خود میدانند، جداسازی و آپارتاید جنسی که در سنین مختلف بر کودکان، جوانان و بر همه جامعه اعمال

قرار میدهد:

- متحد کردن صفوف جنبش آزادی زن و انسجام دادن به خط رادیکال در راس این جنبش از طریق انتشار هفتگی نشریه، برنامه تلویزیونی ویژه، پاسخ دادن به مسایل محوری جنبش آزادی زن، و دخالتگری فعال در عرصه ها و کمپینهای مختلف جنبش آزادی زن در داخل و خارج کشور.

- جذب فعالین و رهبران رادیکال جنبش آزادی زن به "علیه تبعیض" و تشویق آنان به عضویت در این سازمان.

- تلاش برای جلوی صحنه آمدن صافی از رهبران رادیکال و پیگیری سازش ناپذیر جنبش آزادی زن از طریق قرار گرفتن آنان در راس کمپین های سیاسی حول خواستها و مسایل فوری جنبش آزادی زن در ایران، برپایی کنفرانس ها و سمینارهای مختلف در سطح علنی حول مسایل زنان و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در ایران و تبدیل آنان به سخنگویان و چهره های محبوب این جنبش.

- بردن شعارها، کمپینها و سیاست های این

پلاتفرم "علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن" اهداف، سازمان و چشم اندازها

ادامه از صفحه اول

تمام عرصه ها را بخش مهمی از جنبش برای آزادی زن میدانند و پیگیرانه در این جهت میکوشد.

۴- لغو حجاب، آزادی پوشش، و لغو کامل آپارتاید جنسی.

"علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" برای متحد و منسجم کردن جنبش علیه تبعیض جنسی حول این خواست ها تلاش میکند.

۵- متحد و منسجم کردن جنبش آزادی زن حول خواستهای برابری طلبانه، رادیکال، ماکسیمالیستی و سکولار. نقد و افشای جریانات و نیروهای سیاسی که با مفاشات و تخفیف دادن به قوانین شرعی و سیستم حقوقی مذهبی عملاً بعنوان مانعی بر سر راه آزادی زنان عمل میکنند.

۶- معرفی و شناساندن جنبش آزادی زن در سطح بین المللی و جلب حمایت فعالین جهانی جنبش آزادی زن و نیروها و فعالین و نهادهای چپ و مترقی و آزادیخواه از این جنبش.

"علیه تبعیض" شرکت فعال در جنبش سکولاریستی و جنبش علیه اسلام سیاسی در جهان را یک عرصه مهم فعالیت خود میدانند.

۷- متشکل کردن جنبش آزادی زن در سطوح مختلف و مرتبط کردن فعالین این جنبش حول خواستهای رادیکال و پایه ای زنان .

"علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" برای پیشبرد امر سازماندهی جنبش آزادی زن در ایران اقلام زیر را در دستور کار خود

۱- رفع کامل و قطعی هرگونه تبعیض علیه زنان، ریشه کن کردن تمام اشکال ستم و تحقیر و بی حقوقی بر زنان و تحقق برابری واقعی زن و مرد در جامعه!

متحقق شدن واقعی این هدف تنها در جامعه ای مدرن، سکولار، و بری از تمام سنتها و قوانین ارتجاعی پدرسالارانه و ضد زن امکان پذیر است. سازمان آزادی و برابری زن برای تحقق کامل و بی کم و کاست این هدف مبارزه میکند.

۲- جدائی مذهب از دولت و از آموزش و پرورش. مذهب زدائی از جامعه و کلیه امور اجتماعی مردم. مرد سالاری و فرودستی و تحقیر زن یک رکن همه مذاهب است و قوانین مذهبی ماهیتاً با حقوق و آزادی زن در تناقض کامل قرار دارد. در جامعه ای که مذهب و قوانین شرعی در دولت و سیستم آموزشی و امور اجتماعی مردم دخالت کند زن نمیتواند آزاد باشد.

۳- مقابله با مردسالاری و کلیه سنتهای ملی - اسلامی عقب مانده و ارتجاعی ضد زن. فرهنگ و سنن مذهبی و مردسالارانه همواره یک عامل مهم در تحقیر و فرودستی زن در زمینه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بوده است. این سنتها در ایران تقویت شده، رسمیت و قانونیت یافته، و به چماقی بر سر زنان تبدیل شده است. "علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن" مبارزه علیه سنن و عقاید مذهبی و مردسالارانه در



نه جنگ، نه بمب، نه حجاب!



شہلا دانشفر



مینا احدی



مہین علیپور

میزگرد بی حجاب:

چرا علیه تبعیض؟ چرا چنین سازمانی ضرورت دارد؟

کردن این جنبش و هویت دادن به آن دارند. امروز ما با جنبشی روبرو هستیم که از امثال شیرین عبادی و غیره عبور کرده است و این فعالین رادیکال و چپ هستند که بطور واقعی این جنبش را نمایندگی میکنند، خواستهای روشن و مشخصی را در مقابل آن قرار میدهند، اما آنها هنوز چهره های شناخته این جنبش نیستند و این چهره های دیگری هستند که میبینیم میکوشند تا به اسم این جنبش حرف بزنند، داعیه رهبری آنرا دارند و در عین حال تلاش میکنند که این جنبش را در چهارچوب قوانین رژیم اسلامی محصور نگاهدارند. نمونه آن کمپین یک میلیون امضا بود. آمدند گفتند که حقوق زن با اسلام تناقضی ندارد. آمدند گفتند اصلا حجاب مساله زن ایران نیست، و حرفهایی از این قبیل، و دیدیم که مورد استقبال نیز قرار نگرفتند و عملا عقب زده شدند. به نظر من فعالین چپ و رادیکال باید و میتوانند به چهره های محبوب و سرشناس جنبش آزادی زن تبدیل شوند. چهره هایی که به این جنبش افق میدهند، صفوف آنرا متحد کنند، و آنرا به حرکت درمیآورند. همانطور که گفتم این یک گام اساسی در متحد کردن و متشکل ساختن این جنبش است. و باید این گام اساسی را برداشت.

گام مهم دیگر متحد کردن و گرد آمدن فعالین جنبش آزادی زن حول خواستهای رادیکال و واحد است. از جمله جنبش آزادی زن و مبارزه علیه تبعیض نسبت به زنان در جامعه جنبشی است که خواهان جدایی مذهب از آموزش و پرورش، لغو حجاب و آپارتاید جنسی، رفع کامل هر گونه تبعیض علیه زن و برابری کامل مرد و زن در کلیه

صفحه ۴

تغییر توازن قوای سیاسی جامعه است. همچنین ما شاهد این هستیم که فعالین جنبش آزادی زن با شکل دادن به انواع و اقسام انجمن ها و نهادهای فرهنگی و نیز از طریق درست کردن وبلاگها و به راه انداختن یکسری گفتمان ها و غیره و تلاش میکنند که ظرفی برای جمع شدن و سازمان دادن اعتراض و مبارزه خود ایجاد کنند. اما این تلاش ها هنوز پراکنده است. بنابراین باید دید مشکل کجاست.

به نظر من حلقه اصلی در متشکل کردن و انسجام دادن به جنبش آزادی زن، فعالین چپ و رادیکال در این جنبش هستند. فعالینی که در متحد کردن و جلو بردن این جنبش نقش کلیدی دارند و بطور واقعی نقش آنهاست که این جنبش چنین بالنده و رادیکال است. اما هنوز ما آنها را با اسم و رسم خود نمیتوانیم نام ببریم و چهره های آنان برای جامعه شناخته شده نیست. بطور مثال وقتی به مناسبتهای مختلف چون هشت مارسها، شانزده آذرها و غیره و غیره نگاه میکنیم، پلاکاردها، شعارها، قطعنامه ها، روحیه تعرضی موجود در میان شرکت کنندگان همه و همه نشانگر قدرت بالای گرایش رادیکال و چپ در راس جنبش رهایی زن است. اما جایی نام و نشانی از رهبران و سخنگویان این گرایش رادیکال و رزمنده که امروز دارد این جنبش عظیم را به پیش میرود نمی بینید.

به نظر من این خود يك ضعف اساسی این جنبش و يك مانع مهم در شکل گیری و انسجام پیدا کردن آن است. امروز در شرایطی که ما شاهد رشد جنبش آزادی زن با خواستهای رادیکال و مدرن و چپ هستیم، جلوی صحنه آمدن رهبران چپ و رادیکال با اسم و رسم خود نقش کلیدی ای در متحد

برد. همانطور که در پلاتفرم ما مشخص است عرصه های مهم کاری ما علیه هر نوع تبعیض جنسی مثلا جدا سازیها در اماکن و محل کار و دانشگاهها و علیه فرهنگ مردسالاری و علیه حجاب و علیه دخالت مذهب در زندگی مردم و قانون و سیاست و آموزش و پرورش است. داشتن يك سری کمپین ها بین المللی که بتواند جلب حمایت در سطح بین المللی برای این جنبش را بهمراه داشته باشد و همینطور به نابودی آپارتاید جنسی در ایران کمک کند از عرصه های مهم دیگر کاری ماست. من خواندن پلاتفرم این سازمان را برای روشن شدن بیشتر عرصه های کاری ما به همگان توصیه میکنم.

بی حجاب: چرا علیرغم اینکه جنبش آزادی زن يك جنبش عظیم و بالنده و پیشرو است هنوز از میزان کمی از تشکل و انسجام برخوردار است؟

شہلا دانشفر: به نظر من نیز مشاهده شما واقعی است. ما امروز با يك جنبش بالنده برای رفع تبعیض از زن و برابری زن و مرد روبرو هستیم، جنبشی رادیکال و مدرن که هر روز بیشتر رنگ چپ بخود میگیرد. اما این جنبش به لحاظ سازمانی هنوز ضعیف است و انسجام کافی ندارد و در واقع این يك نقطه ضعف جدی آنست. ما حضور این جنبش را در جدال هر روزه اش با قوانین ارتجاعی اسلامی، در رودرویی اش با حزب الله که رژیم تحت عنوان مبارزه با بدحجابی آنها را به جان زنان انداخته است و خلاصه اینکه با مبارزه اش علیه حجاب و آپارتاید جنسی می بینیم. این جنبش در خیابانهاست و خود يك فاکتور مهم در مبارزه علیه رژیم اسلامی و

بی حجاب: چرا علیه تبعیض؟ چرا چنین سازمانی ضرورت دارد؟

مہین علیپور: علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن، سازمان مبارزه برای آزادی و رهایی زن و برای رفع کامل تبعیض جنسی و برابری کامل زن و مرد در همه وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی است. این سازمان به يك جنبش وسیع اجتماعی علیه ستم و تبعیض جنسی در ایران تعلق دارد. من فکر میکنم این تعریف که من آنرا از بیانیه اعلام موجودیت سازمان علیه تبعیض گرفته ام بسیار گویا است و جواب سوال شما را میدهد.

بی حجاب: عرصه های اصلی فعالیت این سازمان کدامند؟ کدام اولویتها را در دستور کارتان دارید؟ زنان در ایران با مسائل بسیار متفاوتی دست و پنجه نرم می کنند، حجاب آپارتاید جنسی، خشونت، تبعیض، مردسالاری، اخلاقیات عقب مانده، فقر و بیکاری و غیره. علیه تبعیض کدامیک از اینها را بعنوان کمپینهای اصلی خود در دستور می گذارد و چرا؟

مہین علیپور: ما فعالین این سازمان سعی میکنیم که شعارها و سیاست های این سازمان را در حلقه اول به درون جنبش آزادی زن ببریم. ما با بردن این شعارها سعی خواهیم کرد که که خطمان را در جنبش آزادی زن و در تجمعات مختلف جا بیاندازیم. قدم بسیار مهم دیگر این است که ما به تشکیل جمعها و تشکلهای علنی حول این خواسته ها کمک کنیم. این تشکلهای علنی و توده ای در جنبش رهایی زن در ایران تاثیر مستقیم خواهد داشت و از این طریق ما جنبشمان را به ادارات و مدارس و دانشگاهها و محلات و مراکز کاری خواهیم

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

صفحه ۳

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. باید این خواسته‌ها را به خواسته‌های فوری کل جامعه تبدیل کرد. و برای مبارزه حول این خواسته‌ها انواع و اقسام انجمن‌ها و نهادها و تشکلهای را شکل داد.

به نظر من یک حلقه کلیدی در متحد کردن صفوف یک جنبش اعتراضی معین خواسته‌های متحد و واحد است.

و سرانجام اینکه فعالین جنبش آزادی زن هنوز از مکانیزم‌های اجتماعی برای متحد کردن نیروی وسیعی که پشت آنها قرار دارند استفاده نمیکنند. جنبش آزادی زن جنبشی است که پایه قوی اجتماعی دارد. بویژه تحت حاکمیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی میتوان بخش عمده جامعه را علیه تبعیض به زنان و موقعیت فرودست زنان و علیه قوانین متحجر اسلامی بسیج کرد. این اعتراض هر روزه وجود دارد ولی نقشه سازمانیافته‌ای بر آن حاکم نیست. متحد کردن این اعتراضات حول کمپین‌های اعتراضی مختلف مانند کمپین علیه سنگسار که نوع ماقبل تاریخ ستم بر زن و تحقیر جامعه است، کمپین علیه حجاب و آپارتاید جنسی، برپایی انواع و اقسام سمینار و کنفرانس‌ها در دانشگاهها و مراکز مختلف حول مسایل مربوط به اعتراض به نابرابری زن و مرد و ستکشی زن در جامعه، و ... یک کار دائمی این جنبش است که میتواند وسیعترین نیروی اجتماعی را دور خود گرد آورد. به عبارت دیگر همانطور که اشاره کردم ما شاهد یک جدال هر روزه در برابر تعرض رژیم اسلامی به زنان و دفاع از حقوق زن هستیم. اما این جدال به شکل برنامه ریزی شده از جمله برپایی انواع و اقسام کمپین‌های اعتراضی و بسیج نیرو حول این کمپین‌ها، استفاده از امکاناتی چون برپایی کنفرانسها و سمینارها در دانشگاهها و مراکز مختلف و غیره و غیره در نیامده است تا بتواند نیروی خود را حول خواسته‌های رادیکال و افق روشنی که دارد متحد کند. امروز شرایط کاملاً مساعد است که به چنین تحرکی دامن زد و به جنبش اعتراضی علیه تبعیض و برای برابری زن و مرد سازمان داد.

بی حجاب: علیه تبعیض چطور می خواهد این انسجام و تعیین یابی را تامین کند؟
شهلا دانشفر: من در پاسخ به سؤال اول شما در واقع به سرتیترهای اصلی این مساله پاسخ دادم. به پلاتفرم کمیته علیه تبعیض نگاه کنید، می بینید که تلاش شده است به این مساله پاسخ دهد. از جمله جذب فعالین و رهبران رادیکال جنبش آزادی زن به علیه

تبعیض، و تشویق آنان به عضویت در این سازمان، تلاش برای جلوی صحنه آمدن صفی از رهبران رادیکال و پیگیری سازش ناپذیر جنبش آزادی زن از طریق قرار گرفتن آنان در راس کمپین‌های سیاسی حول خواسته‌ها و مسایل فوری جنبش آزادی زن در ایران، برپایی کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف در سطح علنی حول مسایل زنان و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در ایران و تبدیل آنان به سخنگویان و چهره‌های محبوب این جنبش و نیز متحد کردن صفوف جنبش آزادی زن و انسجام دادن به خط رادیکال در راس این جنبش از طریق انتشار هفتگی نشریه، برنامه تلویزیونی ویژه و پاسخ دادن به مسایل محوری جنبش آزادی زن و دخالتگری فعال در عرصه‌ها و کمپینهای مختلف جنبش آزادی زن در داخل و خارج کشور، همه و همه آن گامهای اساسی است که "علیه تبعیض" در دستور خود گذاشته است تا بتوانیم به ضعف‌هایی که برشمردم پاسخ دهیم. در همین رابطه ما فعالین جنبش آزادی زن و اعضا و دوستانان "علیه تبعیض" در ایران را فرامیخوانیم که:

۱- وسیعاً به "علیه تبعیض" بیوندند تا با نیروی عظیم خود متحد و متشکل برای رفع کامل و قطعی هرگونه تبعیض علیه زنان و ریشه کن کردن تمام اشکال ستم و تحقیر و بی حقوقی بر زنان و تحقق برابری واقعی زن و مرد در جامعه و برای برپایی جامعه‌ای مدرن، سکولار و پری از همه سنن و قوانین ارتجاعی پدرسالارانه، اسلامی و ضد زن مبارزه کنیم.

۲- بکوشند تا شعارها، کمپینها و سیاست‌های سازمان علیه تبعیض را به درون جنبش آزادی زن ببرند و آنها را به پلاتفرم تشکلهای علنی‌ای که حول خواسته‌های مشخص زنان شکل میگیرد و نیز به خط قطعنامه‌ها و شعارهای سیاسی جامعه در مناسبت‌های مختلف تبدیل کنند،

۳- بکوشند تا حول خواسته‌های مشخص زنان و در عرصه‌های مختلف آن انواع و اقسام تشکلهای علنی را شکل دهند و بدین ترتیب نیروی عظیمی که امروز در جامعه برای برابری زن و مرد و علیه تبعیض مبارزه میکنند را گرد خود جمع کنند. از همین رو "علیه تبعیض" از همه فعالین جنبش‌های زن و کسانی که میخواهند با این سازمان فعالین کنند میخواهد که فعالین جنبش‌های زن را در سطح محلات، مراکز کار و تولید و در ادارات و مدارس و دانشگاهها و در همه جا حول خواسته‌های فوری جنبش آزادی زن و به اشکال مختلف از جمله ایجاد

بی حجاب: بعنوان سخنگوی سازمان، فکر می کنید چطور می توان در سطح بین المللی برای مبارزات جنبش آزادی زن در ایران جلب همبستگی کرد؟

مینا احدی: جنبش برابری طلبانه زنان در ایران یک جنبش قوی و اجتماعی است. این جنبش در عرصه‌های مختلف درگیر یک نبرد تعیین کننده با جمهوری اسلامی ایران است و یک جنبه مهم این مبارزات جنبه بین المللی آنست. هم اکنون در مورد مبارزه علیه سنگسار یا اعدام‌ها و یا مبارزه علیه قوانین و سنتهای ضد زن در ایران ما توانسته ایم تا حدود زیادی همبستگی بین المللی را جلب کنیم. ما در برخی از این عرصه‌ها جلو رفته و در مواردی هنوز در آغاز راه هستیم. بنظر من باید در زمینه اعتراض زنان به حجاب اسلامی و یا آپارتاید جنسی و در مورد مبارزه روزمره زنان علیه قوانین اسلامی توجه‌های بیشتری را در دنیا به این مبارزات جلب کرد. باید تصویر اینکه ایران یک جامعه اسلامی است و زنان قربانیان دست و پا بسته این اوضاع هستند را عوض کرد. باید در دنیا اولاً نشان دهیم که زنان و مردم علیه این حکومت و علیه سنتهای ضد زن و قوانین ارتجاعی هستند و در عین حال باید همبستگی جهانی را به سوی این مبارزات جلب کرد و این مبارزات را تقویت

کنیم.

چگونه میتوان این کار را کرد. راههای متعددی را میتوان در پیش گرفت. ما در این مورد تجارب فراوانی داریم ولی یک نکته حیاتی از نظر من معرفی کردن چهره‌هایی است که در ایران فعالیت میکنند و جلو آوردن این چهره‌ها و طرف حساب کردن آنها با افکار عمومی بین المللی. ما باید بتوانیم صفی از فعالین رادیکال و مترقی و مدافع حقوق انسانی زنان را در دنیا به افکار عمومی بین المللی معرفی کرده و تاثیر این چهره‌ها و همچنین تصویر دامنه واقعی مبارزات زنان در ایران را به دنیا معرفی کنیم.

بی حجاب: آیا فکر می کنید جنبش آزادی زن در ایران امروز تبدیل شده است به پرچمدار و جلودار مبارزات زنان برای آزادی و برابری در خاورمیانه؟

مینا احدی: بنظر من در ایران یک جنبش قوی علیه اسلام و قوانین ضد زن اسلامی و علیه حکومت و سیستم ضد زن موجود وجود دارد که بسیار مترقی و مدرن و رو به جلو است. این جنبش در خاورمیانه بسیار جلو آمده و میتواند نقش مهمی در پیشبرد مبارزات زنان در منطقه خاورمیانه داشته باشد. جنبش برابری طلبانه زنان در ایران به توهمات "فینیسیم اسلامی" و یا جنبش ملی اسلامی در مورد رفرم در اسلام و یا کنار آمدن با حکومت اسلامی دست زد و اکنون با شعار برابری کامل بین زن و مرد و لغو همه قوانین و مقررات ضد زن اسلامی و مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی میروند که در منطقه نیز راه حل مقابله با اسلام سیاسی و یا سنتهای ضد زن را به همگان ارائه دهد. هر درجه پیشروی این جنبش هم اکنون تاثیرات بلاواسطه‌ای در مبارزات زنان در منطقه دارد و در فردای سرنگونی حکومت اسلامی همگان خواهند دید که این جنبش چگونه در منطقه به اوج گیری مبارزات زنان در منطقه و در دنیا کمک خواهد کرد.



حجاب‌ها را دور بریزید



آیا مارکسیست فمینیسم می تواند یک نگرش مارکسیستی باشد؟

سلام رفیق خسته نباشید

من سوال ها را در دو بخش مطرح می کنم. بخش اول که فکر می کنم یک بحث تئوریک و قابل توجه است: در میان فعالین زنان در ایران گروهی به چشم می خورد که با نگرش مارکسیست - فمینیست فعالیت می کنند و نمایندگان خود را در بطن جامعه معرفی کرده اند و در حال بسط این نگرش هستند. به نظر شما اساس چنین نگرشی میتونه نگرشی مارکسیستی باشه و جای این نگرش در میان ادبیات مارکسیستی کجاست و توضیحی در باره منشأ پیدایش این نگرش و فعالیتهاش ارائه دهید و در این میان شیوه برخورد ما چگونه خواهد بود؟

بخش دوم: در باره فعالیت جنبشهای زنان با توجه به شرایط کنونی و اوضاع داخلی و حساسیت برخورد و وضعیت خود زنان از لحاظ سطح آگاهی، حضور این جنبش را تا چه حد عملی و مثمر تمر می دانید؟ چرا این جنبش هنوز تنوع نسته پویائی لازم را بدست نیاورد؟ مشکل از کجاست از رهبران عملی جامعه یا خود زنان؟ چرا زنان هنوز فکر می کنند یا در ماندگی آموخته شده ای که عمری به اسمشون ثبت شده باید زندگی کنند؟ بازهم با شما تماس می گیرم با تشکر مهین

دوست عزیز مهین، با سلام به شما و امیدوارم حالتان خوب باشد. سوالات شما لازم است به تفصیل و با حوصله مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به آنها جواب مفصلی داده شود. اگر عمری باقی بود و من فرصتی پیدا کردم حتما دوست دارم به این بحث مخصوصا جنبش فمینیستی و تاریخچه آن و وضعیت موجود این جنبش بپردازم. در اینجا اما خیلی مختصر و نکته وار به سوالات شما جواب میدهم و بحث مفصل تر را می گذارم برای آینده. مارکسیست - فمینیسم با رشد جنبش فمینیستی و زمانی که کمونیسم و مارکسیسم به یمن انقلاب اکتبر در دنیا معتبر بودند، نظریه پردازی پیدا کرده و تلاش کرد در مقابل دیگر ترندهای فمینیستی دیگر یک تبیین و افق متفاوت بگذارد و با استفاده از تئوریهای مارکس و انگلس ریشه های نابرابری زن و مرد را در جامعه و در سیستم تولیدی نابرابر در جوامع سرمایه داری توضیح دهد. برجسته ترین

نکات بحث مارکسیست فمینیستها اینها هستند:

* مارکسیست فمینیستها تاکید ویژه ای بر مسئله طبقات اجتماعی و نقش نابرابری طبقاتی در فرودست نگه داشتن زن و استثمار او می کنند.

* بر خلاف دیگر بخشهای فمینیسم آنها معتقد نیستند که زنان خود به صرف زن بودن یک طبقه اجتماعی را تشکیل می دهند. به اعتقاد آنها تنها نقطه مشترک زنان با هم جنسیت آنهاست و گر نه هر زنی به یک طبقه اجتماعی مشخص تعلق دارد و بر اساس تعلق طبقاتی اش خواسته ها و مطالباتش فرق می کند.

* سیستم فعلی خانواده را به حال جامعه سرمایه داری مفید می دانند و مخصوصا مسئله کار خانگی را یکی از عرصه های کار می دانند که در آن سرمایه داری کارگران زن را بدون هیچ حقوق و مزایائی استثمار می کند. در واقع از نقطه نظر مارکسیست فمینیستها زنان هم کار خانه را بر دوش می کشند و هم بعنوان ارتش ذخیره کار در بازار با دستمزد و مزایای کمتری مورد استفاده قرار می گیرند. مردان نیز از این موقعیت فرو دست زنان در خانواده بهره مند می شوند. آنها که خود در بازار کار مورد استثمار قرار می گیرند، مناسبات استثمارگرانه و قدرت طلبانه ای که در محیط کار بر خود آنها حاکم است را با خود به خانه برده و بر زنان اعمال قدرت می کنند.

* بر خلاف دیگر دیدگاههای فمینیستی و مشخصا رادیکال فمینیستها، طرفداران نظریه مارکسیست فمینیسم مردان را دشمن اصلی زنان نمی دانند و در نتیجه نیک تیز حمله را به طرف جامعه سرمایه داری و مناسبات تولیدی می گیرند و تنها راه رهایی زن از استثمار و بی حقوقی را در سرنگونی جامعه سرمایه داری و نظام تولیدی آن می دانند. دیگر فمینیستها از جمله کسانی مانند فایرستون و میلر و دلفی به نظریات مارکسیست فمینیستها بخاطر کم بها دادن به مسئله مردسالاری و پرپها دادن به مناسبات اقتصادی خرده می گیرند. آنها معتقدند که مردسالاری زائده جامعه سرمایه داری نیست بلکه بسیار قبل از جوامع سرمایه داری مردسالاری و ستم کشی زن وجود داشته و زنان همچنان فرودست بوده اند و در نتیجه نسبت دادن ستم کشی زن به مناسبات

عمومی مردم در رابطه با نابرابری زن و مرد اخلاقیات عقب مانده شد، اما امروزه این جنبش دیگر با خواسته ها و مطالبات برابری طلبانه میلیونها زن در دنیا فاصله بسیاری گرفته است و دیگر نمی توان آنرا نماینده امیال و آرزوهای برابری طلبانه زنان خواند. تعداد معدودی از فمینیستهای که خود را هنوز فمینیست می خوانند و فعالانه در راستای نظریات فمینیستی قلم می زنند، در سالهای اخیر بیشتر به مسئله قدرت و در قدرت بودن و به قدرت رسیدن تعداد هرچه بیشتری از زنان می پردازند. ناتاشا والتر فمینیست انگلیسی که کتاب فمینیسم نو را نوشته است معتقد است زنان باید تلاش کنند هر چه بیشتر به مقامات دولتی و کلیدی قدرت دست پیدا کنند که بتوانند بر مصوبات دولتها به نفع زنان تاثیر بگذارند. این دسته از فمینیستها معمولا با علاقه تعداد زنان در قدرت و مقامات کلیدی را می شمارند و هر بار زنی در جایی به قدرت می رسد جشن می گیرند. آنها برای نمونه کمپین راه می اندازند که در آمریکا هیلاری کلینتون رای بیاورد و یا قدرت رسیدن آنجلا مرکل در آلمان را یک پیروزی به حساب می آورند. (در پراگ، خوب است اشاره کنم که همین فمینیستها وقتی با ماها حرف می زنند از اینکه می شنوند که در ایران زنان در مجلس بعنوان نماینده حضور دارند هیجانزده می شوند).

بعد از شکست بلوک شرق و حمله طبقات حاکم به کمونیسم و بطور کلی حمله بورژوازی به بشریت و به عقب راندن ارزشهای انسانی، فمینیستها هم مانند خیلی دیگر از طرفداران جنبشهای مختلف اجتماعی عقب نشستند و بتدریج به گروههای کوچک و کوچکتری تبدیل شدند. بعضی از چهره ها و نویسندگان مشهور فمینیستی حتی تا جایی پیش رفتند که اظهار ندامت کردند از حرفهایشان و به این نتیجه رسیدند که اشتباه کرده اند. مثلا چند وقت پیش مقاله ای از یکی از این نویسندگان فمینیست (متاسفانه اسمش یادم نیست) که زمانی در مورد آزادی جنسی کتاب نوشته بود می خواندم که گفته بود آزادی جنسی به ضرر زنان بوده و خانواده ها را از هم پاشیده است و به زنان توصیه می کرد اینقدر به فکر سکس و ارضای خود نباشند بجای اون به عیسی مسیح فکر کنند و خانواده اشان را حفظ کنند. و البته مارکسیست

سرمایه داری و موکول کردن برابری زن و مرد به جامعه سوسیالیستی باعث می شود که مبارزه زنان گره بخورد به مبارزه عمومی مردم و کارگران برای رسیدن به سوسیالیسم. با وجود اینکه نکات درستی در نظریات مارکسیست فمینیستها هست اما در عمل آنها کار زیادی را نتوانستند از پیش ببرند و به نوعی پاسیفیسم در غلطیدند. مهمترین عرصه ای که آنها در آن درگیر شدند و مطالبات مشخصی را مطرح کردند، عرصه کار خانگی زنان بود که این دسته از فمینیستها خواهان تعیین دستمزد برای زنان خانه دار شده و از دولتها می خواستند که با زنان خانه دار بعنوان کارگران خانگی برخورد کرده و مزایا و حقوقی که کارگران در دیگر قسمتها دریافت می کنند را برای آنها هم مقرر کند. که البته زیاد موفق نشدند و عملا به جایی نرسیدند.

بعضیها زنان برجسته و مارکسیستی مانند کلارا زتکین و کولونتای را بعنوان فمینیست می شناسند و فعالیتهای چشمگیر آنها برای رهایی زن را به حساب فمینیستها می نویسند. اما اگر کسی کارهای کولونتای و زتکین و دیگر کمونیستهای زن در تاریخ را دنبال کرده باشد بروشنی متوجه می شود که آنها خودشان را فمینیست نمی دانستند و خود را به جنبش فمینیستی متعلق نمی دانند. برعکس آنها معتقدند که فمینیستها جنبش زنان بورژوا است و ربطی به مبارزات جنبش زنان کارگر برای رهایی ندارد. (به نظرات زتکین و کولونتای باید جای دیگری پرداخت) به عقیده من با وجود اینکه جنبش فمینیستی و مبارزات زنان فمینیست در یک مقطع زمانی از تاریخ یک جنبش رادیکال و روبه جلور نمایندگی می کرد و موفق شد دستاوردهای چشمگیری در رابطه با حقوق زنان بدست بیاورد و بعضی از قوانین مردسالار را به نفع زنان تغییر داده و همچنین باعث تغییرات بنیادی در ذهنیت و افکار



به علیه تبعیض پیوندید!

وقتی وحشت میکند، لکنت زبان میگیرد!

زهرا

وقاحت و بیشرمی گفت، نترس سهم تو میماند....

انگار تازه بیدار شده بودم، با قدرت تمام هولش دادم و گفتم بی شرف پست فطرت به دخترم دست بزنی جوابش را میگیری و او با لاقیدی تمام گفت چیه منو میکشی، بیا ببینم چی از دست تو ساخته است و در زیر تخت دخترم یک لحظه روسری را دیدم و دیگر نفهمیدم چی شد.

فاطمه حقیقت پژوه امروز دیگر اسم آشنایی است. برای آنها که به سرنوشت دردمندان و له شدگان توجه میکنند. او را گرفتند و در زندان بدون اینکه در مورد جزییات این پرونده و شرایطی که او را به اوج جنون رسانده حرفی بزنند، محکوم به اعدامش کردند. او هر وقت حرف اعدام را می شنود، هر وقت محکومین به اعدام را بلرزه میکند و هر وقت احساس میکند امروز و یا فردا وقت اعدام او است نمیتواند حرف بزند. لکنت میگیرد و کلمات را بریده بریده و خیلی سخت ادا میکنند. سه روز است او دوباره لکنت زبان گرفته است.

چرا زن بودن جرم است، چرا حقی نداریم و چرا چنین راحت به اعدام محکوم میشویم. من مقاومت میکنم لکنت نگیرم ولی مادرم روز به روز بدتر میشود....

آوردم. زندگی من نمی چرخید. فقر و نداری و مشکلات متعدد و احتیاج به یک همدم و همسر، مرا وارد رابطه دوم کرد. با مردی آشنا شدم و با او زندگی مشترک را شروع کردم. بزودی متوجه شدم که معتاد است و یا معتاد شده است و سرآزبری زندگی دوم من شروع شد. بد اخلاق بود و حریص و بارها دعوا و مرافعه خانگی داشتیم. من می ساختم و می سوختم و سعی میکردم، بچه هایم آسیبی نبینند. دنیا برام سخت و غیر قابل تحمل شده بود، ولی باید تحمل میکردم. به خاطر دو فرزندم، می جنگیدم و زندگی را پیش میبردم، تا آنکه آن شب شوم و آن اتفاق دردناک پیش آمد. بین خواب و بیداری بودم که صداهایی را می شنیدم. فکر کردم خواب و یا کابوس می بینم. یکدفعه صدای جیغ دخترم، را شنیدم... مامان کمک کن...

در میان در اطاق خواب خودم و اطاق دخترم ایستاده و حاج و واج نگاه میکردم. همسر دوم من با خشونت لباسهای دخترم را از تنش بیرون می آورد و من ناظر این صحنه بودم. با سرعت داخل اتاق دخترم شدم و پرسیدم، چی کار داری میکنی؟ بچه را ول کن و او با

کوچک صاحبخانه مرد و آنها ادعا کردند که این بچه کوچک به دست اختر به قتل رسیده است و چنین شد که اختر نیز در زندان اوین اطراق کرد و شش سال است که محکوم به اعدام شده است. یک هفته قبل او را به گورهدشت آوردند و گفتند فردا اعدام میشود. فکر کردم که ما دوست و یار و غمخوار هم بودیم، چرا او را به سلول من آورده اند آیا منم با او راهی خیابان و سپس در ملاعام به دار آویخته میشوم. از فکر این واقعه از کلمه طناب و از کلمه اعدام وحشت دارم. به کی پناه برم، به کی بگویم که من بی گناهم. من در دفاع از دخترم دست به این کار زدم، چرا کسی به داد من نمیرسد. دو دخترم سرگردان و بی سرپرست هستند و کسی گوشش بدهکار نیست. دختر سبکبال و آزاده ای بودم. در رویاهای خودم برای آینده خودم زندگی خوب، شوهر خوب و فرزندان خوبی را آرزو میکردم. میخواستم مادر خوبی باشم. از بد روزگار همسر اول من بسیار بد اخلاق و سخت گیر و عصبی بود. این زندگی اولم که شمره آن دو دختر بسیار عزیز است، را بهم زد و از او جدا شدم. بهر بدبختی بود بچه ها را پیش خودم

دو روز است که نمیتواند راحت صحبت کند. وقتی از او می پرسم، دوباره چی شده که نمیتونی حرف بزنی؟ می گوید "از دیروز یکی از دوستان قدیمی خودم را دیده ام و دچار لکنت زبان شده ام". از او میپرسم چرا؟ چرا با دیدن دوست قدیمی ات دوباره لکنت گرفته ای؟ می گوید "او را در زندان اوین دیدم و با او الفت زیادی داشتم. سه سال آژگار در یک اطاق بودیم و روزها و شبها در مورد همه چیز حرف میزدیم. دو زن که انگار در این دنیا هیچ سهمی از لذت و نعمت و رفاه و احترام نداشتند. بارها دو تایی با هم پیچ پیچ میکردیم، چرا؟ چرا به اینجا کشیده شدیم و بارها من از خودم می پرسیدم چه گناهی کرده ام؟ چرا سرنوشت ام چنین سیاه و دردناک است آیا انسان بدی هستم؟ اختر را از چند سال پیش شناختم. او هم قربانی یک رابطه نا موفق بود. او هم از همسرش جدا شده و با خانواده بسیار فقیرش در شهریار زندگی میکرد. اختر با پدر و مادر و برادرش در یک اطاق زندگی میکردند. اینها مستاجر یک خانواده بودند و مشکلات مالی و مشکل با صاحبخانه داشتند. یک روز پسر

به تبعیض جنسی باید پایان داده شود!

بازگشایی مدارس، دانشگاه ها و شروع سرکوب پائیزی!

جامعه را شدیداً محکوم میکند و همه مردم، زن و مرد و پیر و جوان را به مقابله با این سیاست های ضدانسانی و ارتجاعی فرامیخواند. جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود جامعه را اسلامی کند، این جامعه است که اسلام و قوانین اسلامی را از خود دفع میکند. "علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن" همه مردم را فرامیخواند در همه مراکز کار و آموزش، در اتوبوس و هرجا که این جداسازی جریان دارد، با تمام قوا به مقابله با آن برخیزند و این سیاست های ضدانسانی را در هم شکنند.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر حکومت آپارتاید
مرگ بر حکومت ضدزن

علیه تبعیض، سازمان دفاع از

حقوق زن

۳ اکتبر ۲۰۰۷، ۱۱ مهرماه ۱۳۸۶

آدرس تماس:

nohejab@yahoo.com

تلفن تماس: 0046707777313

فرهنگی را میگیرد. صدها هزار زن و جوان در طول تابستان مورد بیحرمتی و توهین و ضرب و شتم قرار گرفتند. عده بیشماری دستگیر شدند، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و اداره، در مسجد و روزنامه و رادیو و تلویزیون علیه زنان و جوانان و آرزوها و آرمانهای آنها رجزخوانی کردند، اما کسی زیر بار نرفت. جامعه مرعوب نشد و رعایت حجاب و تعداد حجاب دار بیشتر نشد، برعکس نفرت و انزجار مردم از حکومت و فرهنگ و عقب ماندگی اش گسترش یافت. برای هزارمین بار جامعه اعلام کرد که حاضر نیست اسلامی شود، حاضر نیست قوانین ۱۴۰۰ سال قبل را بپذیرد.

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن"، سرکوب زنان و جوانان و جداسازی های جنسی در مدارس و دانشگاهها و در سراسر

سیستماتیک تلاش کرده است که جداسازی جنسی را به جامعه تحمیل کند. و هر بار سختتر از پیش با مقاومت مردم بویژه نسل جوان روبرو شده است. مراکز آموزشی از جمله مکانهایی است که جمهوری اسلامی تمامی نیرویش را صرف جداسازی کرده است. هرسال با شروع سال تحصیلی، رهبران جمهوری اسلامی و چماقدارانش خط و نشان کشیدن را شروع می کنند، و سرکوب و اذیت و آزار دانش آموزان و دانشجویان را گسترش میدهند اما هرسال این محیط ها غیراسلامی تر و غیراسلامی تر میشود. ۲۸ سال سرکوب کرده اند، دستگیر و زندانی و اعدام کرده اند، تصفیه کرده اند اما خودشان نیز به شکست شان اذعان میکنند. مذهب دائما دارد از میان مردم بویژه نسل جوان دفع میشود و کنار میرود و ارزشهای سکولار، ارزشهای انسانی تر و مدرن تر جای خدا و اسلام و خرافه و عقب ماندگی فکری و

هنوز سرکوب تابستانی زنان تمام نشده، سرکوب پائیزی شروع شده است. مدارس و دانشگاهها شروع شده است اما توام با تشدید فشار برای رعایت حجاب و موازین اسلامی، توام با تشدید فشار برای اسلامیزه کردن مراکز آموزشی و تشدید جداسازی ها و آپارتاید جنسی. در حالیکه در اقصی نقاط دنیا زنان و مردان در کنار هم در حال کار و زندگی هستند، آموزش میبینند و آموزش می دهند، از مهد کودک تا مدرسه و دانشگاه و اداره و کارخانه تا خانه سالمندان با هم کار و زندگی میکنند و با هم این مراکز را اداره میکنند، اما تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زن و مرد، کودک و پسر و دختر، جوان پسر و دختر از هم جدا نگه داشته میشوند و در کنار محرومیت های اقتصادی اکثریت عظیم جامعه، از یک رابطه انسانی با یکدیگر نیز محروم میشوند. در ۲۸ سال اخیر جمهوری اسلامی بطور

حجاب پرچم آپارتاید جنسی است

آیا مارکسیست فمینیسم می تواند یک نگرش مارکسیستی باشد؟

کرد و برای رسیدن به مطالبات همجنسگراها باید آنها را جداگانه متشکل کرد و غیره. آتوقت فکر کنید چندین دسته و گروه و قوم و سازمان و نهاد خواهیم داشت که هرکدام مشغول پیشبرد مبارزات صنفی خود هستند و کاری به کار دیگران ندارند.

به مارکسیست فمینیستهای ایرانی هم باید گفت که به صف مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبش آزادی زن به رهبری کمونیسم کارگری پیوندند. این تنها راه رهایی زن در ایران است.

مهمین جان همانطور که گفتم این بحثی طولانی و کشف است و هنوز جنبه های زیادی از آن مانده است که من اصلا به آنها نپرداخته ام و فکر نمی کنم در حوصله این نوشته باشد که به آنها پردازم. ولی خواهش می کنم حتما سوالاتی که هنوز در این رابطه مانده است را برای من بفرستید که تشویق شوم به این بهانه بازهم بنویسم و این بحث را باز کنم. در مورد سوال دومتان فکر می کنم به بعضی جنبه های آن در جواب سوال اول پرداخته ام. اما به آنهم باید جداگانه جواب داد. تا زمانی که فرصت کنم و بنویسم فکر می کنم بد نیست قطعنامه مصوب دفتر سیاسی در اینمورد را بخوانید.

موفق و پیروز باشید
سهیلا شریفی

آزادی زن را دچار نوعی پاسیفیسم می کنند. من معتقد هستم که چیزی به اسم جنبش آزادی زن یا جنبش رفع ستم جنسی وجود دارد و صرف نظر از اینکه این جنبش متأثر از مبارزه طبقاتی و مناسبات سرمایه و سیستم تولیدی اقتصادی و مناسبات سیاسی جامعه است اما باید آنرا به اعتبار خودش تعریف کرد و جواب درست برای آن داشت. کاری که ما کمونیستهای کارگری سعی کرده ایم در این چند دهه انجام دهیم. می توان کمونیست بود و برای آزادی و برابری کامل زن و مرد در همین جامعه سرمایه داری جنگید. می توان مطالبه برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد را همین امروز مطرح کرد و روی میز دولتها قرار داد. بطور کلی فمینیسم جنبش دوره خاصی از مبارزات مدنی و اجتماعی بود که اکنون دیگر قادر به ایفای نقش نیست. جنبش علیه ستم جنسی و آزادی زن یک جنبش صنفی نیست و امر و مسئله آنهم رسیدن به یکسری خواسته های صنفی نیست. این جنبش در راستای برابری کامل انسانها با هم مبارزه می کند و هر نوع جدا سازی و تفکیکی این مبارزه را صنفی و محدود و تنگ نظرانه می کند. مثل این است که بگوئیم برای رفع ستم نژادی باید سیاه پوستان را متشکل کرد و برای رفع ستم ملی باید مردم آن دسته و قوم را متشکل

هنوز می شود امیدوار بود که بتوان در جنبش آزادی زن جایی پیدا کرد. به نفع خود بهر بگیرند و چون جنبش آزادی زن آنها را پس زد و از آنها عبور کرد، آنها الان دیگر بشدت حاشیه ای شده اند و کسی اسمی از آنها نمی برد. اما مارکسیسم معتبر و محبوب است و با مراجعه به مارکسیسم هنوز می شود امیدوار بود که بتوان در جنبش آزادی زن جایی پیدا کرد.

من بعنوان یک کمونیست و یک مارکسیست، اعتقادی به هیچکدام از گرایشهای درون جنبش فمینیستی ندارم و فکر نمی کنم جنبش فمینیستی مخصوصا در ایندوره ظرف مناسبی برای رسیدن به آزادی زن است. ما کمونیستها برابری طلب هستیم و به آزادی و برابری بدون قید و شرط میان انسانها اعتقاد داریم. همانطور که به ناسیونالیسم اعتقاد نداریم و فکر نمی کنیم جواب مشکل کردها و یا ترکها و کلا ستم ملی را ناسیونالیسم کرد و ترک و غیره دارد، بر ای حل مشکل زنان و نابرابری زن و مرد هم فکر نمی کنیم باید به فمینیسم روی آورد. مارکسیست فمینیستها برخلاف ادعایشان اتفاقا به تئوریهها و کمونیسم انقلابی مارکس اعتقاد زیادی ندارند. آنها مارکس را کلیشه می کنند و با محول کردن برابری کامل زن و مرد به جامعه سوسیالیستی در عمل جنبش

فمینیستها بطور ویژه تری در تنگنای فضای موجود قرار گرفتند و اکنون مدتهاست نوشته و بحث قابل توجهی از آنها منتشر نشده است.

چرا در ایران مارکسیست فمینیستها سر بلند کرده اند و بقول شما نمایندگان در بطن جامعه دارند؟ (هرچند که شواهد نشان می دهد اینها واقعا نیروی چشمگیری نیستند). بنظر من دلیل آن خیلی روشن است. چون هم جنبش زنان یک جنبش قوی و بسیار بالنده و رو به رشد است و هم جنبش کمونیستی و ایده های مارکس در ایران پر نفوذ و محبوب هستند و در این یکی دو سال اخیر ایندو جنبش بطور چشمگیری به هم نزدیک شده اند و عملا پرچم خواسته ها و مطالبات جنبش آزادی زن در ایران هم اکنون در دست کمونیستها و مشخصا کمونیسم کارگری است. به همین دلیل است که کسانی پیدا می شوند و به اسم مارکسیست فمینیستها فعالیت می کنند. اگر یادتان باشد تا چند سال پیش فمینیست اسلامیهها تلاش می کردند بر موج رو به رشد جنبش آزادی زن سوار شوند و از آن به نفع خود بهر بگیرند و چون جنبش آزادی زن آنها را پس زد و از آنها عبور کرد، آنها الان دیگر بشدت حاشیه ای شده اند و کسی اسمی از آنها نمی برد. اما مارکسیسم معتبر و محبوب است و با مراجعه به مارکسیسم

تلویزیون بی حجاب، برنامه ای از علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن را ببینید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

تلویزیون بی حجاب تریبون همه شما زنان و مردان برابری طلبی است که از نابرابری و تبعیض و آپارتاید جنسی به تنگ آمده اید و مصمم هستید که به ستمکشی زن و تبعیض و نابرابری خاتمه دهید.

با تلویزیون بی حجاب همکاری کنید، برای آن گزارش بفرستید و در بحثهای آن شرکت کنید. برای تماس با تلویزیون به آدرس زیر ایمیل بزنید:

sohailasharifi@yahoo.co.uk

تلویزیون بی حجاب را می توانید روزهای سه شنبه ساعت 7 تا 8 شب روی ماهواره هاتبرد ۸- فرکانس 12303 مگاهرتز - سیمبل ریت 27500 - اف ای سی 4/3 پولاتریزاسیون عمودی ببینید. این برنامه روزهای چهارشنبه ساعت 4.30 تا 5.30 تکرار می شود

برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد

مینا احدی سخنگوی علیه تبعیض به عنوان سکولاریست سال انتخاب شد

سیاسی یک جنبش ارتجاعی و فوق العاده وحشتناک و ضد زن است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران زنان بیش از ۲۸ سال است که با یک حکومت ترور و وحشت اسلامی دست و پنجه نرم میکنند، و هر نوع پس زدن مذهب و اسلام سیاسی و مبارزه برای سکولاریسم بطور مستقیم به سرنوشت زنان گره میخورد. انتخاب من بعنوان سکولاریست سال، طبعاً بحث در مورد اسلام سیاسی و حکومت اسلامی و بحث در مورد موقعیت زنان در ایران و یا در خاورمیانه را مجدداً مورد توجه افکار عمومی قرار میدهد و زمینه مساعد تری را برای ما و جنبش برابری طلبانه زنان فراهم میکند. ما باید از این فرصت نهایت استفاده را کرده و یکبار دیگر توجه ها را به ایران و موقعیت زنان جلب کرده و همبستگی جهانی را با مبارزات زنان در ایران بیش از پیش جلب کنیم.

سیاسی و ضرورت ایستادگی در مقابل این جنبش سیاه و تروریستی اخطار داده و عملاً در مقابل آن ایستاده ایم. این مبارزات هم اکنون بیش از پیش مورد توجه مردم قرار

می کنید چرا شما بعنوان سکولاریست سال انتخاب شدید؟

مینا احدی: طبعاً برای من این واقعه بسیار مهم است و جای افتخار و خوشحالی زیادی

روز شنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۰۷ در شهر لندن، طی مراسم با شکوهی مینا احدی بعنوان سکولاریست سال برگزیده شد. جامعه سکولار انگلیس هر ساله از میان شخصیت‌های جهانی یک نفر را به عنوان سکولاریست سال انتخاب میکند. امسال از میان ده نفر کاندید مینا احدی به عنوان سکولاریست سال برگزیده شد. دو سال قبل مریم نمازی از طرف این نهاد به عنوان سکولاریست سال برگزیده شد بود. در اطلاعیه رسمی جامعه سکولار در این مورد آمده است: مینا احدی سالهای سال است در دفاع از حقوق انسانی مبارزه میکنند. تشکیل کمیته علیه سنگسار در سال ۲۰۰۱ و همچنین فعالیت بعنوان سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و فعالیت در "علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زنان" و تشکیل سازمان اکس مسلم در آلمان از جمله فعالیت‌های درخشان مینا احدی در دفاع از سکولاریسم و حقوق انسان است.



گرفته و شانس ما را برای جلب توجه افکار عمومی و همچنین جلب همبستگی بین المللی فراهم تر کرده است.

است که جامعه سکولاریست‌های انگلیس ما را به عنوان سکولار سال انتخاب کرد. علت انتخاب شدن من بین چندین کاندیدای بسیار معروف و مهم بین المللی، عطف توجه مردم و نهادهای مدافع حقوق انسانی و یا سکولار به اهمیت مبارزه علیه اسلام سیاسی و در عین حال دشواری‌های این مبارزه است. سکولاریسم در دنیا در خطر است و ما پرچم مبارزه علیه دخالت مذاهب در دولت و یا آموزش و پرورش را در همه دنیا در دست گرفته ایم و همین باعث جلب توجه افکار عمومی بین المللی ما شده و ما در این میان در عین حال در مورد خطر اسلام

ریچارد داو کینز نویسنده و منتقد سرشناس علیه مذهب که قرار بود این جایزه را به مینا احدی بدهد، متأسفانه به دلیل بیماری در این مراسم نتوانست حضور داشته باشد. اما او طی پیامی از فعالیتهای مینا احدی قدر دانایی کرد و او را لیدر مبارزه علیه اسلام سیاسی دانست. در همین رابطه ما مصاحبه کوتاهی با مینا احدی ترتیب داده ایم که در زیر می خوانید. **بی حجاب:** سکولاریست سال شدن را به شما تبریک می گویم. چه احساسی دارید و فکر



بی حجاب: این انتخاب چه تاثیری بر جنبش آزادی زن دارد و کلا چقدر فعالیتهای شما بعنوان فعال حقوق زن در این انتخاب می تواند تاثیر داشته باشد؟

مینا احدی: سکولاریسم حداقل خواست ما در پس زدن مذهب و یا مذهب زدایی در جامعه است. مذهب بهر درجه در زندگی مردم دخالت کند، بویژه و بیش از همه حقوق زنان را مورد تعرض قرار میدهد. اسلام

پیام به مینا احدی بخاطر انتخاب او به عنوان سکولار سال

مینا احدی عزیز،

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن" صمیمانه و با خرسندی بسیار انتخاب ترا به عنوان سکولار سال توسط "جامعه سکولار انگلیس" تبریک می گوید. این یک پیروزی برای ما، جبهه دفاع از حقوق انسانی، جبهه دفاع از حقوق زنان، کودکان و بی مذهبان است.

مینای عزیز،

تو تنها سخنگوی سازمان ما نیستی، سخنگوی زنانی هستی که جمهوری اسلامی به جرم زن بودنشان، به زور روسری سرشان می کند، تحقیرشان میکند، شلاقشان می زند و به زندانشان می کشاند اما نه مرعوب میشوند و نه کوتاه می آیند. تو صدای محکومین به سنگسار و اعدام هستی. صدای جوانانی هستی که از سلطه حکومت اسلامی به تنگ آمده اند و در تلاش آزاد شدن هستند. انتخاب تو بسیار شایسته بود چرا که تلاش تو در مبارزه علیه مذهب، در دفاع از سکولاریسم و ارزشهای پیشرو و انسانی، الگویی از خستگی ناپذیری، تسلیم ناپذیری و امید به پیروزی است. برای آرزوی موفقیت هرچه بیشتر می کنیم و صمیمانه در آغوشت میگیریم.

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن

۲۳ اکتبر ۲۰۰۷

سردبیر نشریه بی حجاب:

سهیلا شریفی

sohailasharifi@yahoo.co.uk

صفحه بند این شماره:

زهره آزادی

دبیر علیه تبعیض، سازمان

دفاع از حقوق زن:

مهین علیپور

آدرس و شماره تلفن تماس:

nohejab@yahoo.com

0046707777313